

مسلمانان از نخستین روزهای نزول قرآن و روبه‌رو شدن با روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در صدد فهم قرآن و روایات برآمدند. تشویق بر تفکر و تدبر در آیات قرآن و توصیه‌های فراوان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. تاریخ نشان می‌دهد که از همان ابتدا، فهم‌های متقابل از آیات و روایات نبوی پدید می‌آمده، ولی حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مردم و امکان مراجعه به ایشان، موضوع را تا حد زیادی حل می‌نموده است. مثلاً، نقل شده که *عدي بن حاتم*، از آیه ۱۸۷ بقره چنین برداشت می‌کرد که برای تشخیص زمان شروع روزه، می‌بایست نخ سفید و سیاهی بالای سر خود قرار داد. برخی از صحابه، فهم دیگری از این آیه داشتند. در نهایت، به پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه کرده، ایشان فرمودند: نخ سفید و سیاه در آیه، کنایه از سپیدی صبح و تاریکی شب است (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۰۵). پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، این اختلاف‌ها افزایش یافته، فرقه‌های گوناگونی پدید آمدند که در مسائل اعتقادی با یکدیگر اختلاف داشتند و همگی برای صحت ادعای خود به متون دینی استناد می‌کردند. پس از آغاز غیبت کبرا، شیعیان نیز از نعمت امکان مراجعه به معصوم علیه السلام برای حل فهم‌های متقابل، محروم شدند. امروزه، برداشت‌های متقابل بسیاری از آیات قرآن و روایات معصومان در میان مفسران، حکما، متکلمان و... دیده می‌شود؛ برداشت‌هایی که نافی یکدیگرند. اندیشمندان بسیاری به تبیین عقلانی و شناسایی عوامل این تقابل در حوزه تفسیر قرآن پرداخته‌اند. از میان شیعیان، علامه طباطبائی در مقدمه جلد اول *المیزان فی تفسیر القرآن* و مرحوم عمید زنجانی در فصل دوم از کتاب *مبانی و روش‌های تفسیری* و در میان اهل سنت، محمد صالح شایع در کتاب *اسباب اختلاف المفسرین* و طاهر محمود محمد یعقوب در کتاب *اسباب الخطأ فی التفسیر* به این مهم پرداخته‌اند. بحث پیرامون جامعیت تحقیقات انجام‌شده، از نظر کمی و کیفی، مجال دیگری می‌طلبد، اما هیچ‌یک از تحقیق‌های صورت‌گرفته، به توصیف شکلی مسئله (نمودار یا جدول) نپرداخته، بلکه به تبیین اخباری این عوامل بسنده نموده‌اند. آیا می‌توان عوامل ایجاد فهم‌های متقابل از متن دینی واحد را با توصیف شکلی، جدول یا نمودار نشان داد؟ با توصیف شکلی، می‌توان عوامل ایجاد دو یا چند فهم متقابل از متن واحد را به جای توضیحات تفصیلی، در یک شکل نیم‌صفحه‌ای و در قالب جدول یا نمودار، به مخاطب عرضه نمود. استفاده از توصیف شکلی، علاوه بر صرفه‌جویی در زمان، از نظر آموزشی نیز بسیار مفید می‌باشد. با استفاده از این روش، می‌توان اطلاعات زیادی را به تعداد زیادی از افراد و در طی زمانی کوتاه ارائه نمود (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹).

تبیین شکلی عوامل فهم‌های متقابل از متون دینی

محمد مصطفی حسینی نسب / دانش‌پژوه دکتری مبانی نظری اسلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

mho1166@gmail.com

محمد حسین زاده / استاد فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۸

چکیده

امروزه، برداشت‌های متقابل نافی یکدیگر بسیاری از آیات و روایات در میان مفسران، متکلمان و... دیده می‌شود. اندیشمندان پرشماری به شناسایی عوامل این موضوع پرداخته‌اند، ولی هیچ‌یک به توصیف شکلی مسئله نپرداخته، بلکه به تبیین اخباری این عوامل بسنده نموده‌اند. آیا می‌توان عوامل فهم‌های متقابل از متن دینی واحد را به صورت شکلی (جدول یا نمودار) نشان داد؟ اهمیت این مسئله، هنگامی آشکار می‌شود که با توصیف شکلی، می‌توان عوامل ایجاد دو یا چند فهم متقابل از متن واحد را، در یک شکل کوتاه جدول یا نموداری عرضه نمود. به کمک این روش، می‌توان اطلاعات بسیاری به تعداد زیادی از افراد در مدت زمان کوتاه ارائه نمود. این مقاله، با روش توصیف و تحلیل و به شیوه ساده‌ای عوامل ایجاد فهم‌های متقابل از متن واحد را تبیین شکلی جدولی یا نموداری نموده است.

کلیدواژه‌ها: فهم متقابل، متن دینی، عامل بینش، عامل گرایش، عامل درونی.

در این مقاله تلاش شده تا به شیوه ساده‌ای بتوان، عوامل ایجاد فهم‌های متقابل از متن دینی واحد را تبیین شکلی و در قالب جدول یا نمودار ارائه نمود.

برای رسیدن به این مهم، نخست باید عوامل ایجاد فهم‌های متقابل از متون دینی استقصاء و دسته‌بندی شوند. تاکنون، دسته‌بندی‌های متعددی از سوی محققان مطرح شده است (شاكرين، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷-۵۷). بحث تفصیلی در این زمینه و جامعیت آنها مجال دیگری می‌طلبد.

به نظر می‌رسد، این عوامل را بتوان در سه دسته عوامل بینشی، روشی و گرایشی دسته‌بندی کرد. هرچند تنها راه برای رسیدن به نمودار یا جدول، استفاده از این دسته‌بندی نیست و مخاطب می‌تواند از دسته‌بندی‌های دیگر نیز استفاده نماید، ولی نباید فراموش کرد که یکی از عوامل مؤثر در میزان موفقیت نمودار یا جدول ارائه شده، جامعیت دسته‌بندی مفروض می‌باشد.

دسته‌بندی عوامل

توضیح دسته‌بندی عوامل به دسته بینشی، گرایشی و روشی، عبارتند از: (حسینی‌نسب، ۱۳۹۱)

الف. عوامل بینشی: منظور از «بینش»، معنای لغوی آن یعنی دانستن است. عوامل بینشی درحقیقت ابزارهایی هستند که دانستن آنها برای فهم متن دینی موردنظر لازم است. بخش قابل‌توجهی از فهم‌های متقابل پدیدآمده در فهم متون دینی، از اینجا ناشی می‌شود، برخی از کسانی که به تفسیر متون اعتقادی در قرآن و روایات پرداخته‌اند، برخی ابزارهای فهم چنین متونی را نمی‌شناخته‌اند، یا از اجرای آنها غفلت ورزیده‌اند. البته، در موارد قابل‌توجهی نیز مبانی اندیشمندان در آن دانش‌های ابزاری متفاوت بوده است. این امر موجب ایجاد فهم‌های متقابلی، متناظر با تقابل در مبانی بینشی گردیده است. عوامل بینشی شامل عامل صرف، نحو، لغت‌شناسی، بلاغت، قرینه‌شناسی، سندشناسی، جهت‌شناسی و فقه‌الحديث می‌باشند. برخی از این عوامل، مانند قرینه‌شناسی دربردارنده عوامل دیگری نیز هستند. مثلاً، قرینه سیاق، احکام قطعیه عقل و... همگی جزء قرائن متصله یا منفصله‌ای تلقی می‌شوند که شناخت آنها برای فهم مراد جدی از متن لازم است. برخی از این عوامل هشت‌گانه همانند صرف، نحو، بلاغت، فقه‌اللغة، فقه‌الحديث در دانش‌های مستقلی مورد بحث قرار می‌گیرند. برخی دیگر مثل قرینه‌شناسی این‌گونه نیستند، دستیابی به آنها نیازمند تتبع فراوان و اطلاع از علوم مختلفی است.

ب. عوامل روشی: تعاریف متعددی درباره اصطلاح «روش» در کتب تفسیر و علوم قرآن دیده می‌شود (مبیدی، ۱۴۲۸، ص ۳۷). در این نوشتار، منظور از «روش»، شیوه‌هایی هستند که نتایج بحث دربارهٔ هر یک از آنها

به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تفسیر متون دینی مؤثر است. درحقیقت، این روش‌ها، زیربنای فهم هستند. به‌گونه‌ای که اگر روش صحیح نباشد، استنباط به‌دست‌آمده از آیه یا روایت نیز لزوماً صحیح نخواهد بود. برای نمونه، اگر کسی به این روش معتقد باشد که استلزامات معنایی جزء مراد مؤلف است، لوازم آیه و روایت را استخراج کرده و آنها را به قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام نسبت می‌دهد. اما اگر شخص دیگری که به چنین شیوه‌ای باور ندارد، انتساب چنین استنباط‌هایی را به قرآن و روایات نخواهد پذیرفت. عوامل روشی فهم از عامل تشکیل می‌شوند. برخی از این عوامل عبارتند از: روش برقراری ارتباط بین معنای متن با نیت مؤلف، روش تشخیص محکم و متشابه، روش تأویل، روش تفکیک جری و تطبیق از تفسیر، روش برخورد با پیش‌دانسته‌ها، پذیرش یا انکار قیاس به معنای تمثیل منطقی، روش تشخیص حقیقه بودن گزاره و محدود بودن آن به زمان و مکان خاص یا مصلحت‌اندیشی زمانی و مکانی صاحب اثر.

ج. عوامل گرایشی: منظور از «عوامل گرایشی»، حالات نفسانی است که بر تفسیر مفسر تأثیر گذارده، پیدایش تفسیرهای متقابل از متن دینی واحد را به دنبال دارد. این تمایلات جنبه‌های مختلفی دارند؛ از تمایلات سیاسی و تعصب‌های مذهبی گرفته تا گرایش‌های فلسفی و عرفانی. گرایش‌هایی را که بر فهم برخی مفسران اثر گذارده و منشأ ایجاد فهم‌های متقابل گشته، می‌توان به دسته فلسفی، عرفانی، علمی، سیاسی و فرقه‌ای - مذهبی تقسیم نمود.

چگونگی دستیابی به جدول یا نمودار موردنظر

در هر موردی از فهم‌های متقابل، یک یا چند عامل تأثیرگذارند؛ این‌گونه نیست که در یک متن، تمامی بیست و هفت عامل تأثیرگذار باشند. محقق در دو مرحله، باید فهم‌های متقابل را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد تا به جدول مورد نظر دست یابد:

۱. **مرحله گزینش:** در این مرحله، محقق باید در یک برهه، بیست و هفت عامل شناسایی شده را در سه گروه عوامل بینشی و گرایشی ثبت کند و تک‌تک این عوامل را مورد بررسی قرار دهد. در این مرحله، به‌دست می‌آید که تعدادی از این بیست و هفت عامل در فهم‌های متقابل مطرح‌شده از متن موردنظر نقشی ندارند؛ یعنی متن موردنظر به‌گونه‌ای است که آن عامل، از نظر هر دو مفسر، بر آن متن قابل تطبیق نبوده است. برای نمونه، متن موردنظر، متنی قرآنی بوده و با عامل فقه‌الحديث کاری ندارد. بدین ترتیب، در این مرحله، محقق تعدادی از عوامل بیست و هفت‌گانه را کنار خواهد گذارد.

۲. مرحله تبیین عوامل مؤثر در فهم مفسران از متن موردنظر: محقق باید در این مرحله، عوامل مؤثر در ایجاد فهم‌های متقابل را که در مرحله قبل شناسایی شدند، از میان بیست و هفت عامل جدا کرده، و به صورت افقی و فهم‌های متقابل از متن را نیز به صورت عمودی درج نماید. سپس، موضع هریک از فهم‌های مورد بررسی را نسبت به متن موردنظر در هر ردیف، واکاوی نماید. باید در ستون مقابل عواملی که مفسران در مورد آنها موضع یکسانی داشته‌اند، علامت (✓) قرار دهیم. همچنین باید عواملی را که یک مفسر بدان‌ها توجه نکرده، اما مفسر دیگر بدان توجه داشته با علامت (—) مشخص نمود. همچنین باید عواملی که هر دو مفسر بدان توجه داشته‌اند، ولی دیدگاه متفاوتی نسبت به آن عامل ارائه نموده‌اند، با علامت (*) تعیین نمود. بدین ترتیب، به یک جدول نیم صفحه‌ای خواهیم رسید که مخاطب می‌تواند چندین صفحه مطلب را درباره فهم‌های متقابل ارائه‌شده درباره متن موردنظر، با دیدن آن جدول دریابد.

برای نمونه، به آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الْوَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) می‌توان اشاره نمود. در این آیه، عوامل ایجاد دو فهم متقابل از سوی ابن‌کثیر مکی و مرحوم طبرسی را بررسی می‌کنیم.

در مرحله اول، بیست و هفت عامل شناسایی شده در سه زیرمجموعه بینشی، گرایشی و روشی را بر این دو فهم تطبیق می‌کنیم. در زیر مجموعه عوامل بینشی، نقش صرف، نحو، لغت‌شناسی، بلاغت و قرینه‌شناسی، سندشناسی و فقه‌الحديث در فهم این دو اندیشمند دیده می‌شود، ولی عامل جهت‌شناسی در فهم‌های موردنظر از این آیه، نقشی ایفا نمی‌کند.

در زیرمجموعه عوامل گرایشی، طبق تعریف مفروض از عامل گرایشی، عامل مؤثری قابل اثبات نیست. در زیرمجموعه مبانی روشی، نقش عامل روش تفکیک جری و تطبیق از تفسیر دیده می‌شود، ولی سایر مبانی در تقابل این دو فهم نقشی ایفا نمی‌کنند.

بدین ترتیب، در مرحله اول، هجده عامل از بیست و هفت عامل در بررسی تقابل فهم ابن‌کثیر مکی و مرحوم طبرسی از آیه موردنظر کنار گذاشته شدند. باید با نه عامل باقی‌مانده مرحله دوم را آغاز کرد. برای هریک از نه عامل باقی‌مانده، ردیفی را در جدول در نظر می‌گیریم. هریک از این نه عامل را در فهم‌های ابن‌کثیر و طبرسی مورد بررسی مجدد قرار می‌دهیم تا به یکسان یا متفاوت بودن موضع آن دو، نسبت به آنها دست پیدا کنیم. در این بررسی، متوجه می‌شویم که ابن‌کثیر و طبرسی، نسبت به عوامل بینشی صرف، نحو، لغت‌شناسی، بلاغت و در آیه موردنظر موضع مشابهی داشته و پاسخ یکسانی ارائه

نموده‌اند، ولی در عوامل بینشی قرینه‌شناسی، سندشناسی و فقه‌الحديث، پاسخ‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. هر دو، در دلالت «إنما» بر حصر، وصف بودن «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» برای «الذين آمنوا»، چگونگی اشتقاق «ولی»، اصطلاحی معنا کردن «راکعون» اتفاق نظر دارند. در قرینه‌شناسی نیز بین این دو اندیشمند اختلاف نظر دارند. مرحوم طبرسی، از شواهد التنزیل حاکم حسکانی، اشعار حسان بن ثابت، روایات اهل بیت علیهم‌السلام، احکام القرآن ابوبکر رازی و تفسیر ابواسحاق ثعلبی، به عنوان منبع استفاده کرده و بدان‌ها استناد می‌کند (همان، ص ۳۲۷-۳۲۴)، در حالی که ابن‌کثیر به برخی همانند اشعار حسان بن ثابت و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اصلاً توجهی نمی‌کند، و برخی دیگر را به ضعف سند و مجهول بودن رجال متهم می‌کند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق. ج ۳، ص ۱۲۶). البته مشخص نمی‌کند که کدام رجال مجهولند و چرا برخی اسناد ضعیف هستند؟! در مقابل، ابن‌کثیر نیز برخی روایات وارده در شأن نزول بخش‌های قبلی آیه را درباره عبادت بن صامت، به گونه‌ای فهمیده که جملات موردنظر را نیز شامل می‌گردند و آنها را قرینه‌ای بر فهم متن دانسته است (همان، ص ۱۲۷). در مجموعه عوامل روشی نیز تفاوت در روش تفکیک جری و تطبیق با تفسیر به خوبی دیده می‌شود. ابن‌کثیر، تفسیر آیه را به معنای عامی می‌پذیرد و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و عبادت بن صامت را مصادیقی و تطبیق‌هایی از این معنای عام می‌شمارد (همان). در حالی که، مرحوم طبرسی مدلول آیه را ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بر مؤمنان دانسته و جمع آمدن «الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» را به جهت تعظیم و تفخیم می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۲۶).

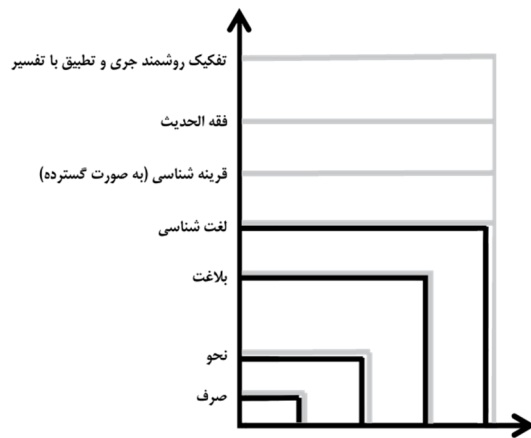
بدین ترتیب، محقق با پیمودن این دو مرحله، با استفاده از علائمی (✓، —، *)، به جدول ذیل دست می‌یابد و می‌تواند چندین صفحه اطلاعات را در قالب جدول ذیل، به سرعت به مخاطب عرضه کند:

نوع عامل	عامل	طبرسی	ابن‌کثیر
بینشی	صرف	✓	✓
	نحو	✓	✓
	بلاغت	✓	✓
	لغت‌شناسی	✓	✓
	قرینه‌شناسی	*	*
	فقه‌الحديث	*	*
روشی	تفکیک جری و تطبیق با تفسیر	✓	—

چگونگی دستیابی به نمودار

هر نموداری از دو محور افقی و عمودی تشکیل می‌شود. می‌توان با بررسی بیست و هفت عامل، در

می‌باشند، و عواملی که خط خاکستری از خط مشکی جدا شده، عوامل جدا شدن فهم مرحوم طبرسی از فهم ابن‌کثیر و ایجاد دو فهم متقابل بین این دو می‌باشند.



«إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُبْمِنُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

انواع جداول و نمودارها از جهت سادگی یا پیچیدگی

جدول‌ها یا نمودارهایی که برای تبیین فهم‌های متقابل قابل استفاده‌اند، از جهت سادگی و پیچیدگی، به سه دسته قابل تقسیم هستند:

جدول یا نمودار ساده

گاهی دو فهم متقابل موردنظر، در اکثریت عوامل بیست و هفت‌گانه تفاوت ندارند؛ تفاوتشان تنها در یک عامل محدود می‌گردد. در اینجا با جدول یا نمودار ساده‌ای، این تقابل در فهم تبیین می‌گردد.

برای نمونه، به فهم عبدالله بن عمر بیضاوی و علامه امینی، نسبت به آیه «الْيَوْمَ يَنْسَأ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) می‌توان اشاره نمود. بیضاوی با تکیه بر سیاق آیه، ارتباط این آیه با بحث جانشینی پیامبر ﷺ را انکار کرده، معتقد است: مقصود از «الیوم» روز معینی نیست، و زمان حاضر و همه زمان‌های مرتبط با آن را شامل می‌شود. وی با تکیه بر قرینه سیاق، علت مایوس شدن کفار را مایوس شدن آنها از تحلیل خبائثی دانسته که در آیات قبل، حکم به تحریم آنها شده است و تصریح بر قوانین اجتهاد را عامل اكمال دین و اتمام نعمت معرفی کرده است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۱۵). در مقابل، علامه امینی معتقد است: علاوه بر اینکه در این آیه، هیچ‌یک از شرایط تحقق قرینه سیاق وجود ندارد، روایات متواتری نیز

سه زیرمجموعه بینشی گرایشی و روشی، عواملی که در ایجاد فهم‌های متقابل از متن مؤثر بوده‌اند، کشف کرد. می‌توان محور افقی را برای متن موردنظر، که فهم‌های متقابل از آن ارائه شده‌اند، در نظر گرفت و محور عمودی را برای عامل‌های مؤثر اعتبار نمود. می‌توان با استفاده از خطوط با رنگ‌های متفاوت نیز فهم‌های متقابل موردنظر را از یکدیگر تفکیک نمود.

برای رسیدن به نمودار موردنظر، پیشنهاد می‌شود محقق، همانند تبیین به صورت جدول، در دو مرحله فهم‌های متقابل را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. چگونگی این دو مرحله، در تبیین نموداری با تبیین به صورت جدول، تفاوت چندانی نخواهد داشت. برای رسیدن به تبیین نموداری محقق می‌تواند در یک برگه، بیست و هفت عامل شناسایی شده را در سه گروه عوامل بینشی، مبانی روشی متن دینی و عوامل گرایشی ثبت کند. سپس، به صورت تک‌تک این عوامل را در مورد فهم‌های ارائه‌شده از متن واحد، مورد بررسی قرار دهد. در این مرحله، محقق درمی‌یابد که تعدادی از این بیست و هفت عامل در فهم‌های متقابل مطرح‌شده از متن موردنظر نقشی نداشته‌اند. بدین ترتیب، تعدادی از عوامل بیست و هفت‌گانه کنار می‌روند. البته، تبیین به صورت جدول و یا نمودار، عوامل کشف‌شده در این دو محور، عوامل ثابتی نخواهند بود و براساس عوامل تأثیرگذار در ایجاد فهم‌های متقابل از متن موردنظر تغییر می‌کند، ولی بر فرض جامعیت تقسیم‌بندی عوامل، از بیست و هفت عامل مطرح‌شده خارج نخواهند شد.

مرحله دوم؛ مرحله تبیین عوامل مؤثر در فهم مفسران از متن موردنظر: باید محقق عوامل مؤثر در ایجاد تقابل در فهم‌های ارائه‌شده از متن موردنظر را - که در مرحله قبل شناسایی شد - از میان بیست و هفت عامل جدا کرده و در محور عمودی درج کند. متن موردنظر را نیز در محور افقی نمایش دهد. هریک از فهم‌های متقابل از متن را نیز با رنگ متفاوتی در خطوطی که بین محور افقی و عمودی قرار می‌گیرند، درج کند. بدین ترتیب، به نموداری دست می‌یابد. اکنون، می‌توان موضع هریک از فهم‌های مورد بررسی از عبارت موردنظر را با توجه به ردیف عمودی، متناظر با آن دریافت. با این روش، مخاطب با دیدن یک نمودار نیم‌صفحه‌ای، می‌تواند چندین صفحه مطلب را درباره فهم‌های متقابل ارائه‌شده درباره متن موردنظر دریابد. برای اجتناب از طولانی شدن عبارت، به صورت نمودار نمایش می‌دهیم. در تبیین نموداری مثال مورد بحث، خط خاکستری را برای فهم طبرسی و خط مشکی را برای فهم ابن‌کثیر مکی در نظر گرفته‌ایم. عواملی که هر دو خط خاکستری و مشکی در کنار یکدیگر به آنها متصل می‌شوند، عوامل مشترک در فهم هر دو

در مثال قبلی، دو فهم متقابل از دو کتاب متفاوت را با جدول و نمودار نشان دادیم. این فرایند، در مورد دو قول مطرح در یک کتاب نیز قابل اجرا است. برای نمونه، به آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف: ۲۴) می‌توان اشاره نمود. قاضی عبدالجبار معتزلی، از برخی متکلمان نقل کرده که این آیه بیانگر امکان ارتکاب معاصی در پیامبران دانسته‌اند (عبدالجبار معتزلی، ۱۹۶۶، ص ۱۱۱). با بررسی دو مرحله‌ای، دو فهم مطرح در عبارت قاضی عبدالجبار درمی‌یابیم که هر دو دسته در تشخیص حروف اصلی لغت شناسی، ترکیب آیه و نکات بلاغی در آیه اتفاق نظر دارند. اختلاف منجر به ایجاد دو فهم متقابل ناشی از این است که طرف مقابل، هر دو انتساب را مطلق می‌شمارد، ولی قاضی عبدالجبار هرچند انتساب را در مورد زلیخا مطلق می‌داند، ولی این انتساب را درباره یوسف مقید به قید «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» می‌شمارد. به عبارت دیگر، قاضی عبدالجبار معتقد است: «هم» از سوی یوسف علیه السلام در صورتی تحقق می‌یابد که یوسف علیه السلام «برهان ربه» را در نظر نمی‌گرفت. درحالی‌که این «هم» از سوی زلیخا مطلق آمده و هیچ قید و شرطی برای تحقق آن بیان نگردیده است (عبدالجبار معتزلی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۹۱). علت تفاوت در این انتساب، توجه کردن قاضی عبدالجبار به قرینه «لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٍ» و عدم توجه طرف مقابل، به این قرینه است. در سایر مسائل مرتبط با فهم متن، همانند دلالت «لقد» بر تأکید، دلالت «همت» و «هم» بر زمان گذشته، دلالت «به» و «بها» بر متمم فعل با یکدیگر تفاوتی ندارند. بنابراین، تفاوت این دو فهم متقابل، ریشه در یک عامل دارد و آن قرینه‌شناسی است. به همین دلیل، نمودار یا جدول به‌دست‌آمده، نمودار یا جدولی ساده خواهد بود. تبیین به صورت جدول این دو فهم، به ترتیب ذیل خواهد بود:

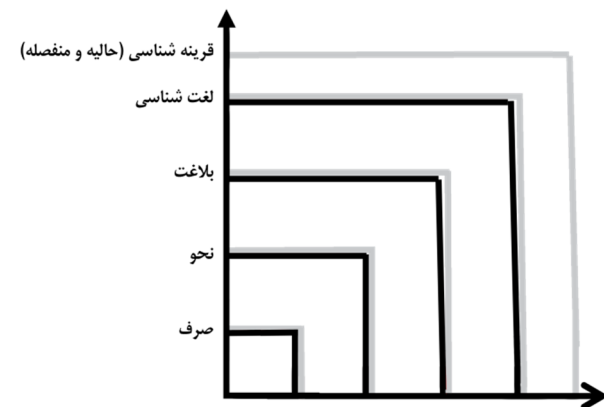
نوع عامل	عنوان عامل	قاضی عبدالجبار	برخی متکلمان
بینشی	صرف	√	√
	نحو	√	√
	بلاغت	√	√
	لغت‌شناسی	√	√
	قرینه‌شناسی (قرینه لفظیه)	√	—

همین مطلب را می‌توان به صورت نمودار نیز نشان داد. اگر محور افقی را برای عبارت مزبور و محور عمودی را برای عامل‌های مؤثر اعتبار نماییم، می‌توان دو فهم متقابل مورد نظر را با استفاده از رنگ‌های مختلف، به صورت نقطه‌ای نمایش داد. در تبیین نموداری ذیل، خط خاکستری بیانگر نظر قاضی عبدالجبار و خط مشکی، بیانگر نظر طرف مقابل است. عواملی که هر دو خط خاکستری و مشکی در کنار یکدیگر به آنها متصل می‌شوند، عوامل مشترک در فهم هر دو می‌باشند. عواملی که خط خاکستری

وجود دارند که بیانگر نزول این آیه در روز غدیر درباره ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌باشند (امینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۰). در بررسی بیست و هفت عامل، با همان شیوه دو مرحله‌ای به این نتیجه می‌رسیم که بیضاوی و علامه امینی، در هیچ‌یک از عوامل بینشی صرف، نحو، بلاغت و لغت‌شناسی اختلاف ندارند. این‌گونه هم نیست که علامه امینی به روایتی استناد کند که بیضاوی آن را به عنوان منبع قبول نداشته باشد، اختلاف روشی یا گرایشی نیز در ایجاد فهم متقابل این دو از آیه مزبور قابل اثبات نیست. آنچه قابل اثبات است، اختلاف این دو در قرینه‌شناسی است. این امر موجب ایجاد دو فهم متقابل بیضاوی و علامه امینی از آیه مزبور گردیده است. به همین دلیل، با یک جدول یا نمودار ساده می‌توان این دو فهم متقابل را نشان داد.

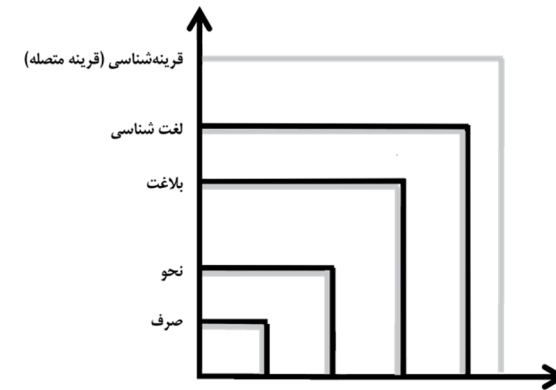
نوع عامل	عنوان عامل	علامه امینی	بیضاوی
بینشی	صرف	√	√
	نحو	√	√
	بلاغت	√	√
	لغت‌شناسی	√	√
	قرینه‌شناسی (قرینه حالیه و منفصله)	√	—

این دو تقابل در فهم به صورت نموداری نشان داده شده است. در این نمودار، خط خاکستری نمودار تحلیل علامه امینی و نمودار مشکی بیانگر فهم بیضاوی است. عواملی که با دو خط خاکستری و مشکی به هم متصل می‌شوند، عوامل مشترک در فهم هر دو می‌باشند. عواملی که خط خاکستری از خط مشکی جدا شده، عوامل جدا شدن فهم علامه امینی از فهم بیضاوی و ایجاد دو فهم متقابل بین این دو می‌باشند.



«الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ ... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

از خط مشکی جدا شده، عوامل جدا شدن فهم قاضی عبدالجبار از فهم طرف مقابل و ایجاد دو فهم متقابل بین این دو می‌باشند. نمودار به‌دست‌آمده به شکل ذیل است:



وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّآیْ بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لَتَنَصَّرَفَ عَنْهُ السُّوْءُ وَ الْفَحْشَاءُ

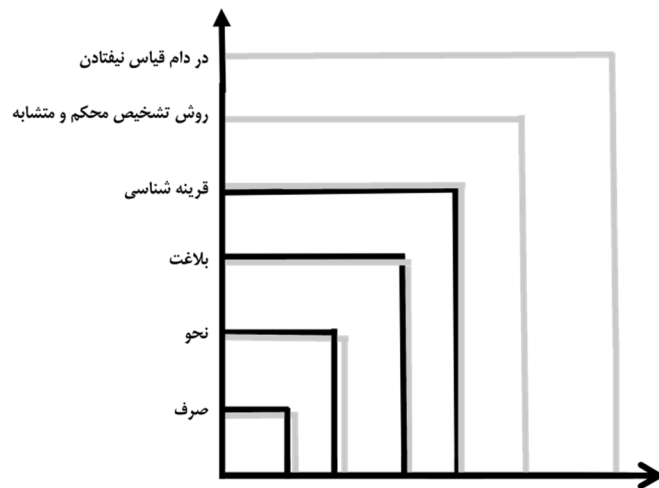
جدول یا نمودار متوسط

گاهی دو فهم متقابل موردنظر در اکثریت عامل‌های بیست و هفت‌گانه تفاوت ندارند، ولی تفاوتشان تنها به یک عامل محدود نمی‌شود. در اینجا، با جدول یا نمودارهایی عوامل این تقابل در فهم تبیین می‌گردد که نه چندان ساده‌اند و نه چندان پیچیده. برای نمونه، می‌توان به آیه «لَلّٰهٖ عَلٰی النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ» (آل‌عمران: ۹۷) اشاره نمود. هرچند کفر وارد در این آیه، ترک حج مترتب شده است، ولی خوارج گناهان دیگر را با آن قیاس کرده، نتیجه گرفته‌اند که مرتکب هر گناه کبیره‌ای کافر است (حسنی، ۱۳۷۹، ص ۶۸). با بررسی فهم متقابل خوارج و شیعیانی مثل علامه طبرسی و علامه طباطبائی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۹۹ و ۸۰۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۵۵)، درمی‌یابیم دو طرف در تعیین حروف اصلی، تجزیه و ترکیب کلمات وارد شده در آیه، حذف جزا و جانیشینی علت به جای آن، اراده مفهوم اصطلاحی حج و... با یکدیگر اختلاف ندارند؛ یعنی در عوامل بینشی صرف، نحو، لغت‌شناسی، بلاغت و شناخت قرینه سیاق مشترکند، ولی به جهت استفاده خوارج از قیاس (تمثیل منطقی) در شیوه استنباط و قیاس سایر واجبات به حج و تشخیص محکم و متشابه در جمع بین آیات واردشده در این موضوع، با یکدیگر تفاوت دارند؛ یعنی اختلاف در دو عامل روشی موجب ایجاد دو فهم متقابل از آیه گردیده، هرچند در عوامل بینشی مؤثر اختلافی دیده نمی‌شود.

این تقابل فهم خوارج با سایر فرق مسلمین را می‌توان در قالب نمودار یا جدول نشان داد. تفاوت این نمودار با نمودارهای دسته اول، در تعداد عامل‌های مؤثر در ایجاد فهم متقابل مورد بحث است. البته، در مثال‌های قبلی، عامل بینشی موجب تقابل فهم بود، ولی در این مثال، عوامل روشی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. تبیین این دو فهم متقابل، به صورت جدول به شکل زیر است:

نوع عامل	عنوان عامل	طبرسی و طباطبائی	فهم خوارج
بینشی	صرف	√	√
	نحو	√	√
	بلاغت	√	√
	لغت‌شناسی	√	√
روش	قرینه‌شناسی	√	√
	در دام روش قیاس نیفتادن	√	—
	برخورد روشمند تشخیص محکم و متشابه	√	—

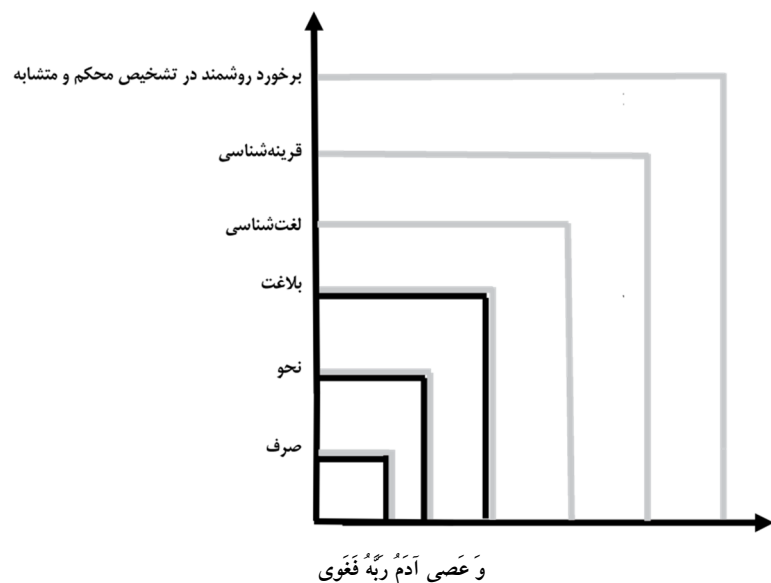
در تبیین نموداری نیز خط خاکستری را علامت دیدگاه مرحوم طبرسی و خط مشکی را نمود دیدگاه خوارج قرار داده‌ایم. عواملی که دارای هر دو خط خاکستری و مشکی هستند، عوامل مشترک در فهم هر دو می‌باشند و عواملی که خط خاکستری از خط مشکی جدا شده، عوامل جدا شدن فهم مرحوم طبرسی از فهم خوارج و ایجاد دو فهم متقابل بین این دو می‌باشند.



لَلّٰهٖ عَلٰی النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ

جدول یا نمودار پیچیده

گاهی دو فهم متقابل موردنظر به‌گونه‌ای هستند که یافتن عوامل مؤثر در آنها، محدود به یک یا دو



نتیجه‌گیری

از مباحث بیان‌شده، چنین نتیجه گرفته شود:

اولاً می‌توان عوامل فهم‌های متقابل از متن دینی واحد را به صورت شکلی (جدول یا نمودار) نشان داد.

ثانیاً برای رسیدن به جدول یا نمودار موردنظر باید دو مرحله‌گزینه‌ش و تبیین طی گردد.

ثالثاً برای انتقال مقصود به مخاطب، استفاده از جدول یا نمودار بسیار مفیدتر از تبیین‌های رایج است که در آنها از جدول یا نمودار استفاده نمی‌شود.

رابعاً این جداول یا نمودارها از نظر تعداد عوامل مؤثر در ایجاد تقابل در فهم با یکدیگر تفاوت دارند.

این امر موجب می‌شود که سادگی یا پیچیدگی تحلیل آنها نیز با یکدیگر متفاوت باشند.

عامل از میان عامل‌های بیست و هفت‌گانه نیست. در این حالت، با جدول یا نمودار می‌توان این تقابل در فهم را تبیین نمود. برای نمونه، به فهم متقابل سیف‌الدین آمدی (آمدی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۵۰) و فخررازی (فخررازی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۱۳۰) از یک‌سو، و فهم شیعیانی مثل قاضی نورالله مرعشی (مرعشی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳۵) و... از سوی دیگر، نسبت به آیه «وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ» (طه: ۱۲۱) اشاره می‌کنیم. هر دو، در تجزیه و تعیین حروف اصلی کلمات به کار رفته در آیه، تفریع «غوی» بر «عصی آدم»، تبیین رابطه متفرع و متفرع علیه اختلافی ندارند، ولی در لغت‌شناسی و تعیین معنای موردنظر در آیه، از «عصی» و «غوی» آراء متفاوتی دارند (سیدمرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۲۳؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۱۴؛ حلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۶؛ علوی عاملی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۷۹۹ و ۸۰۰). منشأ این دو فهم متقابل منحصر به دانش لغت نیست، بلکه برخورد روشمند در تعیین آیات محکم از متشابه در مباحث مرتبط با عصمت نیز از عوامل روشی مؤثر در ایجاد چنین فهم‌های متقابل می‌باشند. افزون بر این، نمی‌توان نقش توجه شیعیان به روایات وارده از امام رضا علیه السلام و... را به عنوان قرینه منفصله در تبیین معنای آیه نادیده گرفت (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۳۶۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۸۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۰۳). به هر حال، این دو فهم متقابل را می‌توان در قالب جدول یا نمودار بیان نمود.

نوع عامل	عنوان عامل	نظر شیعیان (سیدمرتضی، محقق حلی و..)	سیف‌الدین آمدی و فخررازی
بینشی	صرف	√	√
	نحو	√	√
	بلاغت	√	√
	لغت‌شناسی	√	—
روش	قرینه‌شناسی (قرینه‌منفصله)	√	—
	برخورد روشمند در تشخیص محکم و متشابه	√	—

این فهم‌های متقابل را به صورت نمودار نیز می‌توان نشان داد. در نمودار ذیل، محور افقی برای متن موردنظر و محور عمودی برای عوامل مختلف مؤثر در ایجاد فهم‌های متقابل است. در این نمودار، خط خاکستری نمایانگر تحلیل شیعیان همانند سید مرتضی، محقق حلی و... است و خط مشکی بیانگر تحلیل سیف‌الدین آمدی و فخررازی است. عواملی که دارای هر دو خط خاکستری و مشکی هستند، عوامل مشترک در فهم هر دو می‌باشند. عواملی که خط خاکستری از خط مشکی جدا شده، عوامل جدا شدن فهم سید مرتضی، محقق حلی و... از فهم سیف‌الدین آمدی و فخررازی و ایجاد فهم متقابل بین این دو می‌باشند.

منابع

- آمدی، سیف‌الدین، ۱۴۲۳ق، *أبکار الأفكار فی أصول الدین*، تحقیق احمد محمد مهدی، قاهره، دار الکتب.
- ابن عطیه، جمیل محمود، ۱۴۲۳ق، *أبھی المراد فی شرح مؤتمر علماء بغداد*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبد الحسین احمد، ۱۴۱۶هـ.ق، *الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب*، قم، مرکز الغدير للدراسات الإسلامیه.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، *تفسیر البرهان*، تحقیق لقسم الدراسات الإسلامیه من مؤسسه البعثه، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبد‌الله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق محمدعبد الرحمن المرعشلی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- حسنی، هاشم معروف، ۱۳۷۹، *شیعه در برابر معتزله و اشاعره*، ترجمه سیدمحمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی رضوی.
- حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۷۹، *المسلك فی أصول الدین*، تصحیح رضا استادی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- راوندی، سعید بن هبه الله، ۱۴۰۵ق، *فقه القرآن*، مصحح سیداحمد حسینی، چ دوم، قم، مکتبه آیة‌الله المرعشلی النجفی.
- شاکرین، حمید رضا، ۱۳۹۰، *مبانی و پیش‌انگاره‌های فهم دین*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صفوی، امان الله، ۱۳۹۲، *روش‌ها و فنون تدریس*، چ پانزدهم، تهران، معاصر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.
- عبدالجبار معتزلی، احمد بن خلیل بن عبد الله، ۱۳۸۶ق، *متشابه القرآن*، تصحیح دکتر عدنان محمد زرزور، قاهره، دارالتراث.
- عبدالجبار معتزلی، احمد بن خلیل بن عبد الله، ۱۹۶۶م، *تنزیه القرآن عن المطاعن*، قاهره، دار التراث.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- علوی عاملی، میرسیدمحمد بن زین‌العابدین، ۱۳۹۶ق، *لطائف غیبیه (آیات العقائد)*، تصحیح محمدباقر بهبودی، مشهد، مکتبه السید الداماد.

فخررازی، محمد بن عمر، ۱۹۸۶م، *الأربعین فی أصول الدین*، قاهره، مکتبه کلیات الأزهریه.

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی.

سیدمرتضی، علی بن الحسین، *الشافی فی الإمامه*، ۱۴۱۰ق، تحقیق سیدعبدالزهراء حسینی، چ دوم، تهران، مؤسسه الصادق علیه السلام.

مرعشی، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، تعلیقه و تحقیق، سیدشهاب‌الدین مرعشی، قم، مکتبه آیة‌الله المرعشلی النجفی.

فاکرمیبدی، محمد، ۱۴۲۸ق، *قواعد التفسیر لدى الشیعه و السنه*، قم، مجمع جهانی اهل‌البيت علیهم السلام.